



گالری ایرانتهر

مجسمه‌های  
مهدی شیراحمدی

با آثاری روبرویم که علیرغم ظاهر جذاب، متنوع و ساده‌ای که دارند در لایه‌های پنهان خود مملو از پیچیدگی و چالش برانگیزند. گوشه‌هایی از آثار ما را به یاد خاتم‌کاری‌های اصفهان و سپس شهر اصفهان و به دنبال آن مباحث دیگری که در این رابطه در ذهن و خاطره ما فعال می‌شود می‌اندازند. اصفهانی که زمانی پر از کارخانه بود و کارگران دوچرخه‌سوار (در زمان تغییر شیفت کارخانه‌ها) تب‌وتابی به این شهر می‌دادند. کارگاه‌های کوچک و بزرگی که در حیطة صنایع مختلف به خصوص صنایع دستی و هنرهای دستی فعال بودند و کار و کار دست به عنوان ارزش شناخته می‌شد. مهدی شیراحمدی از آن اصفهانی‌هایی است که حال و هوای این شهر را در تمام آداب و رفتارش می‌توان دید؛ پر تلاش و پویا. تهران فارغ‌التحصیل می‌شود. از ابتدای نوجوانی کار به هنرستان هنرهای زیبای اصفهان می‌رود و سپس از دانشگاه هنر تهران فارغ‌التحصیل می‌شود. از ابتدای نوجوانی کار می‌کند و به هر دلیل، ولی عاشقانه، آنقدر که کار کردن برایش اگر نگوییم امری مقدس ولی امر آیینی می‌شود.

به یاد دارم پروژه نهایی او در دانشگاه هنر را که دیواری به وسعت صد متر از قطعات کوچک چوب‌های مکعبی و رنگی ساخته بود، روی هر قطعه شماره‌ای خورده بود که تعداد قطعات چوب را آشکار می‌کرد؛ در دفاعیه‌اش به ساعات دقیق کار خود و هم‌آئینیه‌هایش که به او کمک کرده بودند اشاره داشت. کار، کثرت، زمان و ارزش افزوده اثر می‌بایست میزان نیروی کار صرف‌شده را هم نشان می‌داد. این برآیندها برایش یک ارزش است. شاید به خاطر همین حساسیت یا شناخت و خاطره‌ای که از کار کردن و محیط زیست خود داشته به طرف «لوز»‌های چوبی سوق یافته است؛ که در آن کار، کثرت، زمان و ارزش افزوده دیده می‌شود. یعنی همان صدها یا هزاران چوب نازک که در یک فرایند طولانی در کارگاه‌های کوچک و متعددی ساخته می‌شوند، رنگ می‌شوند و در کنار یکدیگر بسته می‌شوند. شاید این رشته‌های چوبی با این ویژگی‌های بالقوه، به منظور دیگری ساخته شده‌اند و سپس به صورت آن «لوز» و آن هندسه به خاطر کشف این ویژگی‌ها و انتخاب آن به عنوان متریا ل اولیه است که به جای گستره شدن، دوباره کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. مجسمه‌ساز برای هدفی دیگر وارد فرایند ساخت توده‌عظیمی از این «لوز»‌ها می‌شود تا پس از اشغال فضای مورد نیاز آن را سامان دهد

در اینجا است که چالش هنرمند و مترتال شکل می‌گیرد. ویژگی‌های بالقوه مترتال اجازه هر رفتاری را به هنرمند می‌دهند چراکه مترتال هوشمند شده، و تعامل با آن ضرورت می‌یابد. فرم‌اندیشی و یا مفهوم‌اندیشی جای خود را به بداهه‌ساز (Improvisation) و گفتگو با مترتال و یا تعامل با مترتال می‌دهد. این بداهه‌سازی به عنوان چالش میان هنرمند، مترتال و زیست هنرمند در چرخش است و اثر نهایتاً از برآیند این چرخش شکل می‌گیرد. آثار مهدی شیراحمدی وضعیت دوگانه دارند، از یک سو، مستقل و دارای ویژگی‌ها و تشخیص فردی است و از سوی دیگر، هنرمند، مترتال و محیط زیستش (هر سه از اجزای اثر) حضوری پررنگ و فعال دارند.

مجسمه از این بابت که چون ما آدمیان جسمی دارد، نسبتی بیواسطه با ما برقرار می‌کند که در کمتر هنری می‌توان جست. وقتی برای نخستین بار با پیکره‌های مهدی شیراحمدی دیدار می‌کنیم، به آنها خیره می‌شویم؛ فاصله‌ای را نگه می‌داریم و در نسبت با خودمان، به واریسی آنها می‌پردازیم. ای بسا ابعاد این پیکره‌ها و کشیدگی‌شان در محور افقی، عمودی و مایل، و در نگاه اول در ما کارگر افتد. رسیدگی دقیق‌تر، اما، نقوش تکراری، خطوط ممتد، و باریکه‌های فلز را نمایان می‌کند، نقوشی نه در سطح و پوسته، بلکه تنیده در جسم و پیکر مجسمه، و در عمل، سازنده آن. وجوهی از اثر، سطحی منتظم با آرایش هندسی را عیان می‌کنند که برای چشم ایرانی، که به دیدار معرق و خاتم‌کاری خو گرفته، ناآشنا نیست، و بدین‌سان کیفیت ویژه این پیکره‌ها و رازشان که در کارماده‌شان نهفته است، رخ می‌نماید: هر یک از این پیکره‌ها متشکل است از صدها و هزاران باریکه چوبی مثلثی شکل، گاه به همراه فلز برنج یا استخوان، که در کنار هم ماده پیکره را فراهم آورده‌اند، و در هر برشی جنبه‌ای از موجودیتشان ظاهر می‌شود.

مواجهه با مجسمه‌های مهدی شیراحمدی تلاقی با موجودیتی مادی است که در عین شیئیت و فرم خاص خود، ما را به چیزی دیگر فرامی‌خواند؛ به سنتی و جهانی دیگر؛ عاملی یکدل و یکپارچه، و جان‌گرفته از صدها و هزاران قطعه هماهنگ و هم‌نوا؛ عاملی یادآور قالی، کاشی معرق، یا خاتم.

زیستن و بالیدن هنرمند در اصفهان خاکی است که این آثار در آن روییده و بالیده‌اند. جهانی که رفته‌رفته آن را شناخته و زیسته است: تجربه مکرر حضور در مسجد شیخ لطف‌الله، و هر بار آن را در جلوه‌ای نو دیدن، مفتون یکپارچگی کاشی‌کاری‌ها شدن، و مذاقه در نقوشی که همراه با خود ساختار معمارانه، کار ده‌ها استادکار، دهه‌های متوالی، صرف خلق آنها شده است. زمان درازی لازم است تا مسجد زاده شود، و مشارکت افراد بسیار را می‌طلبد.

همچون مسجد در حکم اثری هنری، خاتم‌کاری هنری است متشکل از مراحل پیچیده و متعدد، و نیازمند تخصص‌های گوناگون؛ و ناگزیر مستلزم همکاری افراد بسیار.

انتخاب این کارماده برای پیکره سازی، انتخاب کار گروهی و آموزه صبر و حوصله است؛ باوری که در آن تجربه نهفته در روند همان قدر ارجمند است که نتیجه نهایی. فرم این پیکره‌ها عمدتاً زاده شرایطی است که این شکل خاص کارماده-باریکه‌های چوب و فلز، و «گلبندی»های خاص خاتم‌سازی-اقتضای می‌کند. این ضرورت، اغلب خصلت تاویل‌ناپذیری به فرم‌ها داده است، چرا که اقتضای کارماده، کشیدگی‌اش در درازا و مقاطعی که فراهم می‌کند؛ تا حد زیادی فرم را رقم می‌زند؛ هرچند هنرمند از دل این محدودیت چاره‌های متنوعی اندیشیده و همچنان توانسته اشکال بدیعی برآورد. شکاف‌ها و حفره‌هایی که هنرمند تعبیه کرده، نسبتی فعال با فضا برقرار می‌کنند، و به کار گرفتن کل بدن بیننده و حرکات بدنی متنوعی را برای فهم اثر و جزئیاتش ضروری می‌سازند. او وقتی سرگرم ساختن می‌شود، همچون استادکاری، سرخوش از کشفیاتی است که فقط در حین کار روی می‌دهند، و در روندی که تا حدی سنجیده و تاحدی بداهه است، همدلانه با کارماده نامتعارف خود پیش می‌رود، و امکانات پیش‌آمده را شادمانه در بر می‌گیرد.

در اینجا کارماده (متریال) واجد گون‌های صورت است؛ به عبارتی، ماده و عنصر سازنده فرم پیشاپیش صورتی تعیین یافته دارد؛ کشیده با مقطعی منتظم (اغلب مثلثی) تعدد این عناصر سازنده خصلتی مدولار به اثر می‌دهد. مانند قالی، که متشکل از میلیون‌ها گره است، یا کاشی معرق. مثلث در حکم عنصر سازنده هندسه نقوش را سازمان می‌دهد و کشیدگی و همسایگی صدها باریکه، در عمل همچون هم‌کناری رگ و پی و عصب، بدنه اثر را می‌سازد. محتوا مستقیماً از درون اثر برمی‌خیزد، و مکالمه‌ای بین درون و برون درمی‌گیرد. سطح بیرون، وضعیت درون را افشا می‌کند. روند جزء به کل کنار هم نشان دادن مثلث‌ها هنرمند را در جایگاه جزئی از سنتی بزرگتر قرار می‌دهد. این رفتار گویی استعاره از پیکار برای بازجستن و پیوستن قطعات پراکنده باقی مانده از تاریخ و سنت است، پویشی برای احضار عامل سنت از دست رفته؛ برای بازرسیدن به وحدت در شکل و محتوا. آرزوی پیوندی هماهنگ است با گذشته‌ای مفقود، و طلب روح «مدینه‌های زمردین» ایرانی.

هنرمند کار هنری‌اش را ملهم از شاهکارهایی سرنمونی همچون معماری مسجد شیخ لطف‌الله می‌داند، با گام‌های معمار پیش‌می‌رود و غایت اثرش را در این می‌بیند که محضر اثر در مخاطب حضور و آگاهی‌ای مشابه حضور در چنین بنایی برانگیزد. چنین رفتاری، گویی، پروردن رویایی آرمانشهری است که معماری خود نمادی است از آن. بدین‌سان، با کاربست فن ویژه خاتم‌کاری در پیکره‌سازی، هنرمند در هنرش به هنر ارجاع می‌دهد، از هنر روایت می‌کند، و با این کار، از یک سو هنر خود را در امتداد سنن

هنری سرزمینش، و در آن عامل جای می‌دهد، و از سوی دیگر با آوردن فنِ ی از جهان «صنایع دستی» به عامل «هنر والا»، شأن هنری آنچه صناعت اطلاق شده را بدان باز می‌گرداند.

اما خاتم همواره پوسته‌ای است در سطح، برای تزئین شیئی با کارکردی دیگر، اما در اینجا به تمامی «سازنده» اثر است، جسم آن در ساخت به کار رفته و فرصتی بدان داده شده تا جلوه‌های دیگر کنار هم نشینی این باریکه‌ها و پره‌ها، که ویژگی خاتم بودن را ایجاد می‌کند، پدیدار شود. تباین اندازه کارها با کارماده چشمگیر است، و چنان که گفته شد، بر روند طولانی و دشوار دست ورزانه کار شهادت می‌دهد.

رهیافت شیراحمدی اما، به کاربست خلاقانه کارماده و ابتکار در فرم محدود نمی‌شود. او از دیدن دیگر جنبه‌های سنتی که میراث‌هایی چنین ارزنده در هنر دارد ناتوان نیست و نقد و محک هوشمندانه‌اش را در آثار متاخرتر، از جمله «خانه از پایبند ویران است» به نمایش می‌گذارد. روند سوختن که چوب‌ها را از میان برداشته و باریکه‌های برنج را همچون ستون‌هایی در بنا یا پی‌هایی در بدن، باقی گذاشته، و کلیت یکپارچه اثر را دستخوش تخریب کرده است، بعدی تازه به آثار می‌بخشد تا ابداع فنی بنیادی آنها، به تزئینگری و شیء‌سازی محدود نماند. برخوردی از این دست که هم می‌کوشد رشته‌های گسیخته با سنن هنری گذشته را باز یابد و هم به ستایش آن محدود نشود، در هنر معاصر ایران کمیاب است، و از این رو فرصتی ناب برای تامل به دست می‌دهد.



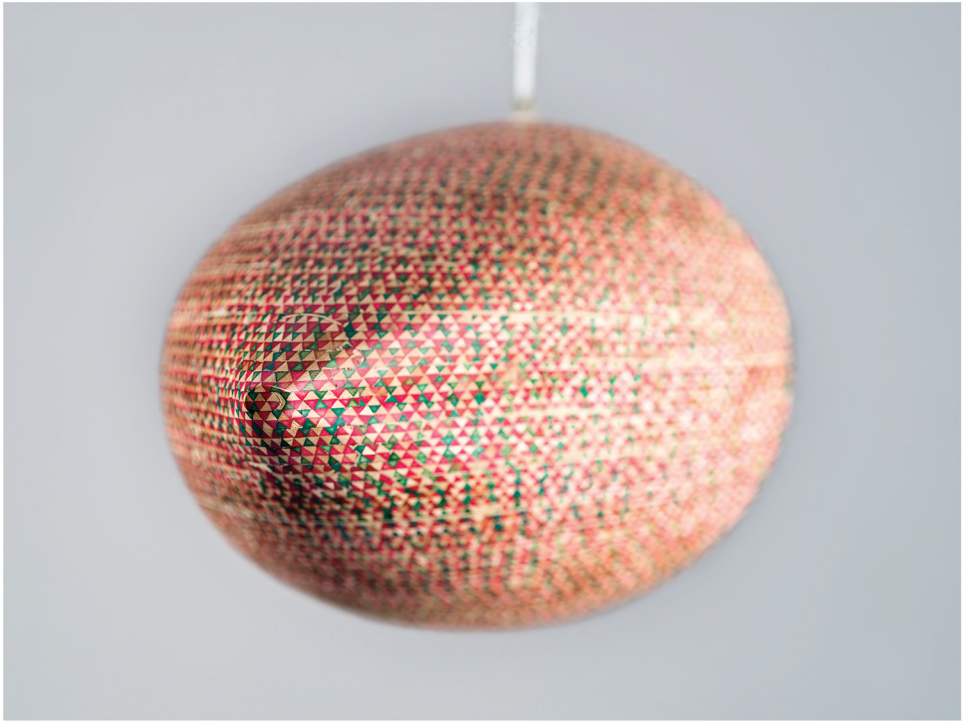
Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **200x35x35 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2016**



Another View





Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **250x40x30 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2017**



Another View





Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **30x20x20 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2016**





Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **80x25x178 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2017**



Another View







Title: **Untitled**

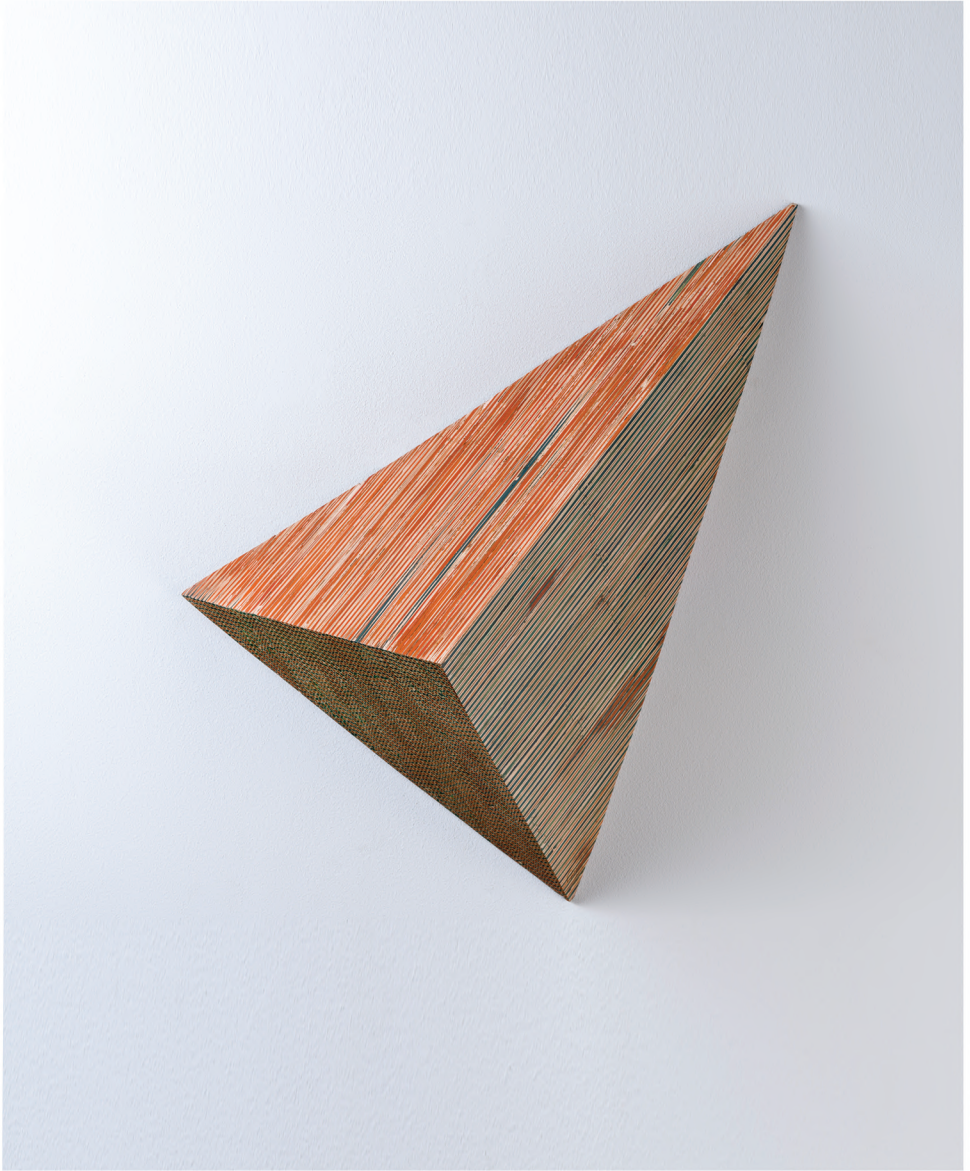
Technique: **Wood & Brass**

Size: **303x39x39 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2017**





Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **75x60x30 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2010**







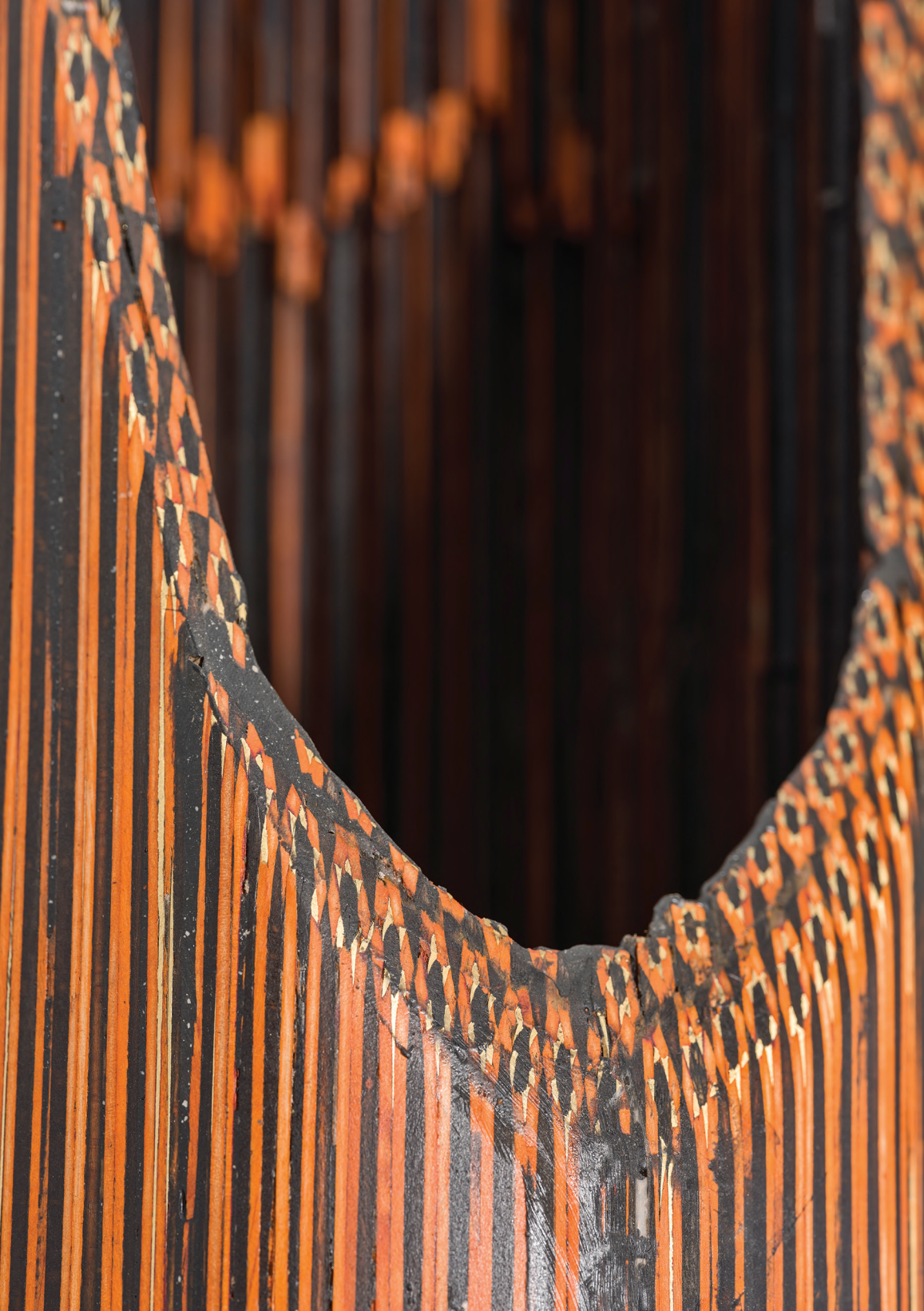
Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **273x27x30 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2017**





Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **200x20x20 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2016**







Title: **Untitled**

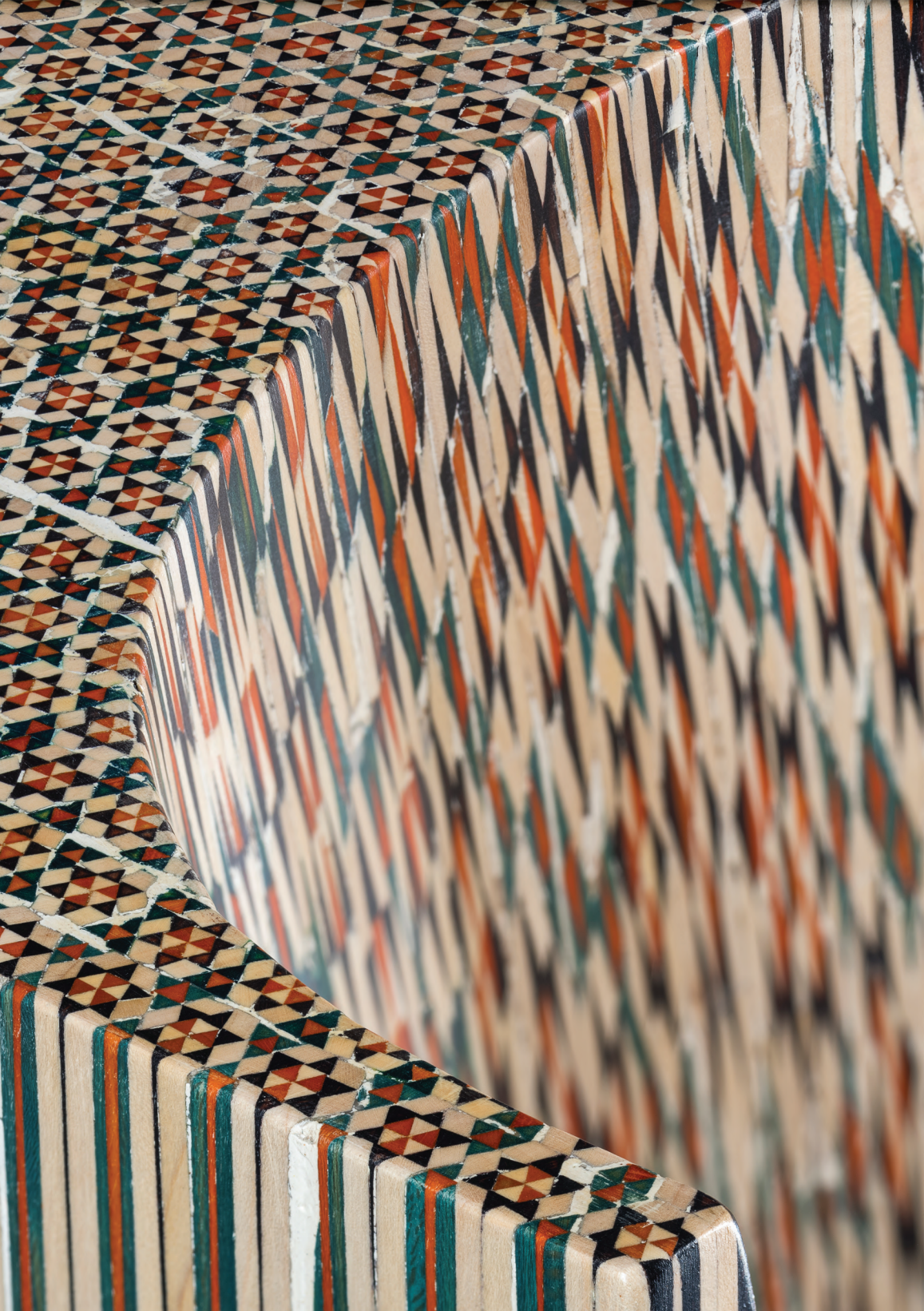
Technique: **Wood & Brass**

Size: **120x40x50 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2016**







Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **87x40x22 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2017**



Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **21x5x5 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2013**



Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **6x3x3 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2011**



Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **13x2x2 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2013**





Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **5x7x3 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2015**



Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **62x6x6 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2015**



Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **7x7x7 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2016**



Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **3.7x1.8x1.8 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2011**



Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **40x40x80 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2016**



Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **70x25x100 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2016**



Title: **Untitled**

Technique: **Wood & Brass**

Size: **70x25x100 cm**

Edition: **Unique**

Year: **2016**





## **Dialectics of inside and outside**

Helia Darabi

Few artworks make such an immediate connection to us as sculpture does, for it also has a body and bodily mass, like ours. When encountered with Mehdi Shirahmadi's sculptures for the first time, we might gaze at them, took a distance, and examine them in relation to ourselves. We might be impressed by their scale and extension in horizontal, vertical and oblique axes. However, closer examination will reveal repetitive motifs, continuous lines, and slim metal bars, which do not appear as a coating, but are intertwined in the very body of the sculpture, and, practically, make it up. Some faces of the sculpture reveal geometric patterns familiar to the Iranian eye, associated with Khatam work. The unique quality of these pieces is then revealed: Each of these sculptures are made up from putting together hundreds and thousands of slim wooden and brass bars, just as we see in the formation of a Khatam decorative ornamental piece.

These sculptures allude to another world, a different, past tradition, and bring us back to a time when the artistic creation happened within a unified, harmonized practice, when thousands of pieces come together in a harmony to make up a mosaic tile piece, a carpet, or a piece of Khatam. The works are rooted in the years of living in Isfahan, where the artist repeatedly visited the Safavid masterpieces and contemplated on the creation of the mosques, with all the elaborate, breathtaking tilework. It takes decades to build a mosque, and numerous skills are needed. A khatam piece requires same incredible toil and skill, in a smaller scale. Choosing such a technique for sculpture making in the contemporary world, is a choice of group work, hard effort, and a delight in the procedure, as well as the final result.

The forms of the sculptures are partially determined by the certain condition of the material. The slim, elongated wood and brass bars might control to some extent the final form, making the forms uninterpretable. The artist, however, makes inventive choices to create ingenious forms. The cracks and openings make an opportunity to see multiple sections and

and perspectives, while making the viewer to move in various directions to better conceive the work. Delighted by the specific qualities of the material, the artist embraces any suggested amendment.

Here the material for the work has already retained a specific form. In other words, the elongated and triangular building blocks are foundational. Their multiplicity brings about a modular quality, like a carpet, which is made of millions of knots. The triangular section of the module is responsible for the geometric pattern, while its elongation actually makes up the body of the work, like bones, vessels and nerves. The content comes immediately out of the form, and the external facet reveals what happens within.



**IRANSHAHR**  
ART GALLERY

**Sculptures by  
Mehdi Shirahmadi**